حساسیت زمان‌شناسی در این دوران

شماره پرسش: ۴۱۰۳۳

تاریخ ارسال پرسش: ۰۸:۱۸:۲۷ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱

متن پرسش

در مورد پرسش و پاسخ شماره ۴۱۰۳۲ چند نکته را یادآوری می کنم. امیدوارم پاسخ مناسبی برای «این دنیا و آن دنیا» داشته باشید. چرا در تمامی تحلیل های رهبر، شما و بلندگوهای نظام هیچ اشاره ای به شعار میلیونها ایرانی علیه رهبر نمی شود؟ چرا پس از اذعان به حق اعتراض برای مردم علیه گرانی دلار باقی معترضین را اغتشاشگر می خوانید؟ می خواهید چنین القا کنید که مردم تنها می توانند معترض به دلار باشند و بیش از آن حق اعتراض ندارند؟ ما در ایران معترض به رهبری که اغتشاش گر نباشد نداریم؟ ایا این برخورد مطابق واقع است؟ صدای میلیونها ایرانی را نمی شنوید؟ این چه پیچ تاریخی است که حق و باطل جایش عوض شده و به راحتی صدای میلیونها انسان را با اسلحه خفه می کنید و همزمان خود را حق به جانب می دانید؟ اسلحه سپاه و بسیج را سمت مردم کردن استمرار اهداف انقلاب است؟ در حکومت جمهوری اسلامی، صدای جمهور مردم را نمی شنوید یا خود را به نشنیدن می زنید؟ آیا این کار خیانت به خون شهدا نیست که برای « آزادی » ما جنگیدند؟ و هر سوالی را به پیچ تاریخی ارجاع می دهید؟ این چه پیچی است که جای حق و باطل عوض شده؟ چگونه حق اعتراض مردم، طبق قانون اساسی، را اجرا نمی کنید و همزمان خون شهدا پایمال نمی شود؟ این چه پیچ تاریخی است که از قیامت مهمتر است؟ استخدام ۵ هزار اراذل و اوباش تیغ و قمه به دست به گفته سردار همدانی برای کنترل مردم با چه منطقی هماهنگ است؟ تخریب اموال و انداختن آن گردن معترضین برای خفه کردن آنها تا کی می خواهد ادامه پیدا کند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جای خوشبختی است که جنابعالی و امثال شما حتی در چنین مواردی باب گفتگو را می‌گشایید. آنچه در ابتدای امر برای هر متفکری لازم است، شناخت زمانه و موقعیت تاریخی است که در آن هستیم. زیرا بدون درک زمانه، هیچ قدمي به سوي آینده خود نمي‌توان برداشت و رخداد انقلاب اسلامی در این تاریخ، همان زماني است که مي‌توانیم با قرارگرفتن در آن، سرنوشت خود را از بند غرب آزاد کنیم و تاریخ پایان‌یافتگي غرب را نشان دهیم که همان تاریخِ سست‌شدن عهد انسان با سکولاریته و اقامه رابطه انسان با خداست.

با رخداد انقلاب تعرّض انسان به اومانیسم که همان تقلیل گوهر آدمي است، شروع شده است و چیزي در انسانِ این تاریخ رخ داده و بر هستي او حاکم گردیده که دیگر نمي‌تواند در تاریخي زندگي کند که قوام آن را اومانیسم شکل داده باشد.

ما همان‌طور که در سنن الهي قرار داريم، اگر از حضور خود در آن سنن آگاه شويم راهِ آينده نسبت به آن سنن در مقابل ما گشوده مي‌شود. به همين معنا ما در تاريخي هستيم که رخداد انقلاب به صورتي خاص ظهور کرده که اگر از حضور خود در اين رخداد آگاه شويم، راهِ آينده‌ي تاريخ ما در مقابل ما گشوده خواهد شد و ديگر در توهّمات بشرِ غرب‌زده قدم نخواهيم زد. در این مورد عرایضی تحت عنوان «زمان شناسی و نظر به فطرت تاریخی ما در انقلاب اسلامی» در سایت «لب المیزان» شده است که خوب است بدان رجوع فرمایید.

https://lobolmizan.ir/leaflet/۴۰۸?mark=%D۸%B۲%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۶ و https://eitaa.com/jozavatlobolmizan/1975

حال با توجه به موضوعِ زمان‌شناسی باید جایگاه رخدادها و پدیده‌های تاریخی را نسبت به کلیّتِ زمانه بررسی کرد، وگرنه همان بحرانی که در جنگ جمل برای بعضی‌ها پیش آمد برای ما نیز پیش می‌آید. از آن جهت که آن بندۀ خدا خدمت امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» رسید و عرضه داشت چگونه تحمل کنم شرایطی را که یک طرف جناب طلحه و زبیر و جناب عایشه هستند که همه به نحوی به پیامبر «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» منصوبند، و از طرف دیگر جنابعالی با آنهمه سوابق درخشان. این‌جا بود که حضرت علی «علیه‌السلام» فرمودند: «اِعرِفِ الحق، تَعرِف اهلَهُ» حق را بشناس و در نسبت با حق، جایگاه افراد را بیاب. که به گفتۀ دکتر طه حسین، این بالاترین سخنی است که از انسان در کلّ هستی به میان آمده است.

آری رفیق! در این راستا برای حفظ حقیقت حتی اگر دشمنان شبیخون زدند و عده‌ای از نیروهای جبهۀ اسلام را ربودند و در فردای کارزار مقابل خود قرار دادند تا از حملۀ جبهۀ حق به سوی آن‌ها جلوگیری کنند زیرا منجر به کشته‌شدن نیروهای جبهۀ اسلام می‌شد؛ مرحوم شهید مطهری در کتاب جاذبه و دافعه علی (علیه السلام) آورده‌اند و در آن کتاب می‌فرمایند: در فقه اسلامی، در کتاب الجهاد، مسئله‌ای است تحت عنوان «تترس کفار به مسلمین». مسئله اینست که اگر دشمنان اسلام در حالی که با مسلمین در حال جنگ‌اند عده‌ای از اسرای مسلمان را در مقدم جبهه سپر خویش قرار دهند و خود در پشت این جبهه مشغول فعالیت و پیشروی باشند به طوری که سپاه اسلام اگر بخواهد از خود دفاع کند و یا به آنها حمله کند و جلو پیشروی آنها را بگیرد چاره‌ای نیست جز اینکه برادران مسلمان خود را که سپر واقع شده‌اند نیز به حکم ضرورت از میان بردارد، یعنی دسترسی به دشمن ستیزه گر و مهاجم امکان پذیر نیست جز با کشتن مسلمانان، در اینجا قتل مسلم به خاطر مصالح عالیه اسلام و به خاطر حفظ جان بقیه مسلمین در قانون اسلام تجویز شده است. آنها نیز در حقیقت سرباز اسلامند و در راه خدا شهید شده‌اند منتها باید خونبهای آنان را به بازماندگانشان از بودجه اسلامی بپردازند [۱] و این تنها از خصائص فقه سلامی نیست بلکه در قوانین نظامی و جنگی جهان یک قانون مسلم است که اگر دشمن خواست از نیروهای داخلی استفاده کند آن نیرو را نابود می‌کنند تا به دشمن دست یابند و وی را به عقب برانند . (جاذبه و دافعه علی: مطهری، مرتضی، جلد : ۱ صفحه : ۱۱۶)

[۱] لمعه ، ج ۱ ، کتاب الجهاد ، فصل اول ، و شرایع ، کتاب الجهاد. موفق باشید